



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی
موضوع جزئی: مقدمه
سال: دوم
تاریخ: ۵ اردیبهشت ۱۳۹۰
مصادف با: ۲۱ جمادی الاول ۱۴۳۲
جلسه: ۹۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث ما در جمع بین حکم واقعی و ظاهری بود، عرض کردیم در رابطه با امکان تعبد به ظن محاذیر چهارگانه‌ای وجود دارد که توسط بزرگان برای پاسخ به این محاذیر و حل این اشکالات راه‌حلهایی ارائه شده که به عنوان جمع بین حکم واقعی و ظاهری شناخته می‌شود، پس مبحث جمع بین حکم واقعی و ظاهری در واقع؛ یعنی راه‌حل‌های مربوط به مشکلات مرتبط با تعبد به ظن که بعضی ادعای استحاله آن را کرده‌اند.

نکته سوم:

قبل از اینکه به بیان پاسخ‌ها پردازیم به نکته‌ای اشاره می‌کنیم و آن اینکه ما آن محاذیر را چهار تا دانستیم و از آنها به محاذیر چهارگانه تعبیر کردیم، برای اینکه بحث تکمیل شود عرض می‌کنیم که بعضی سه محذور را ذکر کرده‌اند، بعضی دیگر دو محذور را ذکر کرده‌اند؛ مثلاً مرحوم آقای آخوند این محاذیر را سه محذور می‌داند و آن‌ها را به سه طریق پاسخ داده است.

محذورات تعبد به ظن به نظر مرحوم آخوند:

محاذیری که در کلام مرحوم آخوند به عنوان وجوه استحاله تعبد به ظن ذکر شده این است که ایشان ابتداءً می‌گویند ممکن است گفته شود با آمدن یک اماره و پیدا شدن حکم ظاهری، واقع و حکم واقعی بر واقع خودش باقی می‌ماند و ممکن است گفته شود واقع بر واقع خودش باقی نمی‌ماند ایشان در بدو امر این دو وجه را ذکر می‌کنند و می‌گویند اگر بگوییم با آمدن حکم ظاهری (اماره ظنیه)، واقع بر واقع خودش باقی نمی‌ماند و حکم واقعی ثابت در لوح محفوظ به کلی حذف می‌شود این مستلزم تصویب محال است. اما فرض دوم؛ یعنی آن صورتی که با آمدن اماره ظنیه، واقع بر واقع خودش باقی می‌ماند؛ یعنی مثلاً وقتی اماره قائم شد که نماز جمعه واجب است آن حکمی که در واقع ثابت بود و حکم واقعی نماز جمعه که در لوح محفوظ ثابت است حذف نمی‌شود و به قوت خودش باقی می‌ماند این خودش دو صورت دارد: گاهی آن اماره موافق با آن حکمی است که در واقع است در این صورت محذور اجتماع مثلین پیش می‌آید و گاهی واقع موافق با مؤدای اماره نمی‌باشد؛ مثلاً اماره قائم شده بر اینکه نماز جمعه واجب است اما در واقع نماز جمعه حرام است در این صورت اجتماع ضدین یا اجتماع اراده و کراهت یا اجتماع مصلحت ملزومه و مفسده ملزومه است.

محدور اول: وقتی اماره‌ای قائم می‌شود یا واقع بر واقع خودش باقی می‌ماند و یا واقع بر واقع خودش باقی نمی‌ماند حال اگر واقع بر واقع خودش باقی نماند مستلزم تصویب محال است و اگر واقع بر واقع خودش باقی بماند این خودش از دو صورت خارج نیست یا آن اماره موافق با آن واقع است که مشکل اجتماع مثلین پیش می‌آید و یا آن اماره موافق با آن واقع نیست که در این صورت مشکل اجتماع ضدین یا مشکل اجتماع اراده و کراهت و یا مشکل اجتماع مصلحت و مفسده پیش می‌آید (محدور اول).

محدور دوم:

محدور دوم این است که در بعضی مواقع تعبد به ظن مستلزم طلب ضدین است و آن جایی است که مؤدای اماره طلب ضد واقع را بکند که این محال است، مرحوم آخوند در این محدور مسئله را روی طلب ضدین از ناحیه خداوند برده است.

محدور سوم:

محدور سومی که مرحوم آخوند خراسانی نقل می‌کنند این است که اگر تعبد به ظن صورت بگیرد در صورتی که دلالت بر عدم وجوب واجب بکند مستلزم تفویت مصلحت است و در صورتی که دلالت بر عدم حرمت حرام بکند مستلزم القاء در مفسده است که قبیح است.

محدورات تعبد به ظن در نظر بعضی از بزرگان:

بعضی مجموع محاذیر مربوط به تعبد به ظن را دو محدور دانسته‌اند و گفته‌اند عمده اشکالات در ثبوت حکم ظاهری با وجود حکم واقعی دو تا اشکال است یکی تفویت مصلحت و القاء در مفسده است و دیگری لزوم نقض غرض است.^۱ پس ما قبل از بیان پاسخ‌های ارائه شده به محاذیر، این نکته را اشاره کردیم که ما گفتیم محاذیر چهار تا می‌باشد به نظر ما با یک نگاه دقیق و تقسیم به حسب ملاک حکم، مبادی حکم، مقتضی حکم، خود حکم و لوازم حکم، ما این محاذیر را چهار تا ذکر کردیم اما بعضی سه محدور و بعضی دیگر دو محدور را نقل کرده‌اند که ذکر کردیم. نکته دیگری که اشاره کردیم این است که راه حل‌هایی که برای جمع بین حکم واقعی و ظاهری ارائه شده بعضاً به طور مشترک ناظر به همه محاذیر است و خواسته‌اند همه محاذیر را یکجا حل بکنند و بعضاً این محاذیر را از هم تفکیک کرده‌اند؛ مثلاً محدور مربوط به لازم خطاب (لزوم تفویت مصلحت و القاء در مفسده) را از محاذیر دیگر جدا کرده‌اند که در جلسه گذشته عرض کردیم مرحوم شیخ انصاری این کار را کرده‌اند یا مثلاً در مورد محدور اجتماع مثلین و ضدین و امثال اینها پاسخی داده‌اند غیر از پاسخی که به اجتماع مصلحت و مفسده یا اجتماع اراده و کراهت داده‌اند، لذا وقتی به کتب و منابع مراجعه می‌شود باید دقت شود تفاوت‌هایی که در تقریر این محاذیر وجود دارد و تفاوت‌هایی که در جواب‌ها و پاسخ‌ها به عنوان وجوه جمع بین حکم واقعی و ظاهری شناخته می‌شود موجب اشتباه و ابهام نشود.

۱. منتهی الاصول، ج ۴، ص ۱۶۶.

وجوه جمع بین حکم واقعی و ظاهری:

یکی از وجوه جمع بین حکم واقعی و ظاهری توسط شیخ انصاری(ره) ارائه شده، ایشان چند طریق و چند راه حل برای جمع بین حکم واقعی و ظاهری ذکر کرده‌اند.

وجه اول: شیخ انصاری

اولین راه حل این است که شیخ انصاری(ره) می‌فرمایند: مرتبه حکم ظاهری و حکم واقعی مختلف است و حکم واقعی و حکم ظاهری هر دو در آن واحد وجود دارند و هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آید چون مرتبه حکم ظاهری با مرتبه حکم واقعی فرق می‌کند و وجود دو حکم در آن واحد و در دو مرتبه مختلف هیچ اشکالی ندارد.

اختلاف مرتبه حکم ظاهری و واقعی به این است که حکم ظاهری(مفاد امارات و اصول عملیه) به دو مرتبه از حکم واقعی متأخر است.

توضیح مطلب: فرض کنید نماز جمعه در عصر غیبت واقعاً حرام است ولی از آنجایی که مکلف حکم نماز جمعه را نمی‌داند و دلیلی که قابل اعتماد باشد پیدا نکرده در حکم نماز جمعه شک می‌کند اینجا بر اساس دستور خود شارع که می‌فرماید: «لا تنقض الیقین بالشک» این شخص به استصحاب تمسک می‌کند که نتیجه‌اش وجوب نماز جمعه در عصر غیبت است الآن وجوب نماز جمعه که مؤدای یک اصل عملی است حکم ظاهری است و حکم واقعی همان وجوبی است که خداوند جعل کرده و در لوح محفوظ ثبت شده است، این وجوب نماز جمعه که مفاد استصحاب است و به عنوان حکم ظاهری شناخته می‌شود متأخر است از آن حکم واقعی که وجوب نماز جمعه است و در لوح محفوظ ثابت است برای اینکه در زمانی وجوب نماز جمعه ثابت شده که نسبت به حکم واقعی شک حادث شده پس حکم ظاهری با فرض شک در حکم واقعی ثابت است، وقتی می‌گوییم حکم ظاهری در فرض شک در حکم واقعی ثابت است در واقع حکم ظاهری یک مرتبه از حکم واقعی متأخر است، شک در حکم واقعی هم متفرع بر وجود خود حکم واقعی است که این هم مرتبه دوم تأخر حکم ظاهری از حکم واقعی است پس حکم ظاهری به دو مرتبه از حکم واقعی متأخر است؛ یعنی اول باید حکم واقعی ثابت باشد و در مرتبه بعد باید در این حکم واقعی شک ایجاد بشود تا شخص به استصحاب رجوع کند و در نتیجه حکم ظاهری ثابت شود، این در رابطه با مؤدای اصول عملیه بود.

در رابطه با مؤدای امارات هم همین‌طور است چون در صورتی به خبر واحد عادل به عنوان یک اماره معتبره رجوع می‌شود که نسبت به حکم واقعی جهل داشته باشیم؛ یعنی خبر عادل به عنوان حکم ظاهری زمانی حجت است که نسبت به حکم واقعی ثابت عند الله جهل داشته باشیم، پس این حکم ظاهری(وجوب نماز جمعه مستفاد از خبر عادل) به دو مرتبه از حکم واقعی متأخر است مرتبه اول این است که باید حکم واقعی ثابت باشد تا نسبت به آن جاهل باشیم و مرتبه دوم جهل به حکم واقعی می‌باشد.

نتیجه اینکه وقتی مراتب دو حکم با هم مختلف باشد اجتماع آنها در آن واحد هیچ اشکالی ندارد و از اجتماع این دو حکم هیچ محالی پیش نمی‌آید پس جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی ممکن است و هیچ مشکلی را در پی نخواهد داشت البته این راه حل ارائه شده از طرف شیخ انصاری (ره) ناظر به محذور لزوم القاء در مفسده و تفویض مصلحت نیست و این راه حل به بقیه محاذیر نظر دارد و در صدد حل بقیه محاذیر است، برای حل محذور لزوم القاء در مفسده و تفویض مصلحت ایشان یک بیان دیگری دارند که بعداً عرض خواهیم کرد.

اشکال مرحوم آخوند خراسانی به شیخ انصاری (ره):

ایشان می‌فرماید: حکم ظاهری در تمام مراتب حکم واقعی ثابت نیست اما حکم واقعی در تمام مراتب حکم ظاهری ثابت است بخاطر اینکه حکم واقعی هم در حال جهل و هم در حال علم ثابت است اما حکم ظاهری فقط در حال جهل و شک ثابت است پس می‌شود موردی را تصویر کرد که حکم واقعی و حکم ظاهری با هم جمع شده باشند.

توضیح مطلب: مرحوم آخوند خطاب به شیخ انصاری (ره) عرض می‌کند: با آمدن حکم ظاهری، حکم واقعی از بین نرفته چون اگر قرار باشد حکم واقعی از بین برود مشکل تصویب محال پیش می‌آید - یعنی اینکه بگوییم خداوند احکامی را جعل کرده اما اینها موقت هستند؛ یعنی تا مادامی که؛ مثلاً روایتی مشتمل بر حکم نماز جمعه نقل نشده باشد این احکام، هستند اما همین که روایتی نقل شد و در آن حکم نماز جمعه بیان شد آن حکم جعل شده از جانب خداوند از بین برود که قطعاً اینطور نیست - پس با آمدن حکم ظاهری حکم واقعی از بین نمی‌رود و حکم واقعی در لوح محفوظ ثابت است، حال وقتی به حکم واقعی نظر می‌کنیم می‌بینیم که مشترک بین عالم و جاهل است پس نتیجه این است که حکم واقعی در هر حال ثابت است اما ثبوت حکم ظاهری در فرض جهل و شک نسبت به حکم واقعی ثابت است لذا فرموده‌اند حکم ظاهری در همه مراحل حکم واقعی ثابت نیست پس موردی را می‌توان تصویر کرد که اجتماع حکم واقعی و ظاهری پیش می‌آید و آن در موردی است که جهل به حکم واقعی وجود دارد که در این صورت هم حکم واقعی و هم حکم ظاهری ثابت هستند و مشکل به قوت خودش باقی است که چطور در آن واحد وجوب و حرمت برای شخص جاهل می‌تواند ثابت شود؟ پس محذورات ذکر شده مثل محذور اجتماع ضدین و اجتماع مصلحت و مفسده و اراده و کراهت کماکان باقی هستند.

بحث جلسه آینده: محقق اصفهانی (ره) در جمع بین حکم ظاهری و واقعی راه حلی ارائه داده که به نوعی می‌تواند دفاع از شیخ انصاری (ره) بوده و پاسخ از اشکال مرحوم آخوند خراسانی محسوب شود که آن را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»